



Research Article

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.3.15.9

Recognition the Concept of Urban Spaces Quality; Study the Standpoints of Citizen to Achieve Effective criteria in Qazvin City

Arefeh Karamipour Shamsabadi¹, Mohammad Massoud^{2*} & Ali Mojabi³

1. PHD candidate, Department of Urban planning, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

2. Visiting Professor of Department of Urban Planning, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran; Professor, Department of Urban planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

3. Assistant Professor, Department of Urban planning, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

* Corresponding author: Email: massoud53@live.com

Receive Date: 16 September 2020

Accept Date: 23 February 2021

ABSTRACT

Introduction: Human settlements can be most desirable for residents, to meet their demands. Urban spaces are the places where the most interactions occur between them. In fact, the quality of the urban environment leads to the presence or absence of citizens in urban space. Lack of favorable environmental qualities has led to a diminution of social life in recent years.

Research aim: The purpose of this study is to achieving effective indicators of urban quality of life in physical and social dimensions from the views of citizens in Qazvin city.

Methodology: The present study is based on an analytical descriptive method based on the purpose of applied studies. Field and library studies have been used to collect information. The statistical population is 384 people by Cochran sampling method. Data analysis was performed by exploratory factor analysis (EFA) and analytical structure using SPSS software.

Studied Areas: The geographical territory of this study is the city of Qazvin.

Results: The results of the study showed five factors in the social dimension and six factors in the physical dimension have been identified that based on the exploratory factor analysis method. The results of the Friedman test show that in the social dimension, three factors "social security (2.81)", "comfort and convenience(2.68)" and "inclusiveness (2.42)" according to their importance (smaller than 3.0), are below the acceptable limit. In the physical dimension, the factor "Efficiency (2.93)" is below the acceptable level, and the factors "accessability and permeability (3.27)", "diversity and variety (3.22)", "personalization (3.9)" and "desirability (3.18)" are at an average level.

Conclusion: In this regard, improving the quality of the urban environment and fair distribution of facilities in the city requires effective actions and targeted planning according to the needs of citizens, such as increasing the attractiveness in urban spaces, improving the personalization to Increasing the sense of responsibility in citizens and Creating ways for their effective participation in the processes of planning and designing urban spaces.

KEYWORDS: Quality of Urban Space, Physical- Social Dimensions, Qazvin City



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۷، شماره ۳ (پیاپی ۶۰)، پاییز ۱۴۰۱
شاپای چاپی ۰۹۶۸-۲۵۳۵ شاپای الکترونیکی ۰۹۵۵X-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۷۴۱-۷۵۶

Dor: 20.1001.1.25385968.1401.17.3.15.9

مقاله پژوهشی

واکاوی در مفهوم کیفیت محیط شهری؛ شناسایی معیارهای مؤثر از دیدگاه شهروندان در شهر قزوین

عارفه کرمی پورشمس آبادی^۱، محمد مسعود^{۲*} و سید علی مجابی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران
۲. استاد مدعو، گروه شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران؛ استاد، گروه شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران
۳. استادیار، گروه شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

* نویسنده مسئول: Email: massoud53@live.com

تاریخ دریافت: ۲۶ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۰۵ اسفند ۱۳۹۹

چکیده

مقدمه: سکونتگاه‌های انسانی هنگامی می‌تواند بیشترین مطلوبیت را برای ساکنین داشته باشد که انتظارات و خواسته‌های آن‌ها را برآورده نماید. عدم برخورداری از کیفیات مطلوب محیطی در سال‌های اخیر، منجر به کمرنگ شدن عرصه زندگی اجتماعی و ناکام ماندن فضاهای شهری در جذب شهروندان، شده است.

هدف: هدف پژوهش، بررسی دیدگاه شهروندان، به منظور شناسایی شاخص‌های مؤثر جهت ارتقاء کیفیت فضاهای شهر قزوین، در ابعاد کالبدی-اجتماعی است.

روش‌شناسی تحقیق: تحقیق حاضر بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس هدف از نوع مطالعات کاربردی می‌باشد. گردآوری اطلاعات با مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای انجام شد. جامعه آماری شامل شهروندان شهر قزوین است که با نمونه‌گیری کوکران ۳۸۴ نمونه انتخاب شدند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی و به کمک نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: قلمرو جغرافیایی این پژوهش، شهر قزوین می‌باشد.

یافته‌ها: تعداد پنج عامل در بعد اجتماعی و شش عامل در بعد کالبدی با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی شناسایی شده‌اند. نتایج حاصل از آزمون فریدمن بیانگر این است که در بعد اجتماعی سه عامل "امنیت اجتماعی (۲/۸۱)"، "آسایش و راحتی (۲/۶۸)" و "همه شمول بودن (۲/۴۲)" با توجه به ضریب اهمیتشان (کوچکتر از ۳)، در وضعیت پایتیز از حد قابل قبول قرار دارند. در بعد کالبدی نیز عامل "کارایی (۲/۹۳)" در حد پایین و عوامل "دسترسی خدماتی و ترافیکی (۳/۲۷)"، "تنوع و گوناگونی (۳/۲۲)"، "رنگ تعلق (۳/۹)" و "مطلوبیت فضایی (۳/۱۸)" در حد متوسطی قرار دارند.

نتایج: ارتقاء کیفیت محیط شهری، رفع مشکلات و توزیع عادلانه امکانات در سطح شهر نیازمند اقدامات مؤثر و برنامه‌ریزی هدفمند متناسب با نیازهای شهروندان از جمله افزایش جذابیت و پرداختن به عرصه‌های جمعی، ایجاد زمینه لازم برای افزایش حضور شهروندان در فضای شهری در جهت افزایش امنیت و آسایش، تقویت رنگ تعلق با افزایش حس مسئولیت‌پذیری در شهروندان و ایجاد بستر لازم جهت مشارکت آن‌ها در فرآیندهای تدوین برنامه و طراحی فضاهای شهری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: کیفیت محیط شهری، ابعاد اجتماعی-کالبدی، شهر قزوین

مقدمه

دیدگاه کالبدی- عملکردی به ابعاد و جنبه‌های مختلف زندگی سبب شد که از اواخر دهه ۱۹۶۰، مفاهیم اجتماعی نوینی تحت تأثیر خواسته‌ها و نیازهای مردم مانند عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی مطرح شود. با رواج و کاربرد این مفاهیم در راستای دستیابی به معیارهای کیفی در مطلوبیت کیفیت فضاهای شهری، دخالت دادن فاکتورهای محیطی-کالبدی و فرهنگی- اجتماعی به عنوان اصلی ضروری مطرح شد (Vanpool, 1997:1). در راستای این رویکردها و با هدف برآوردن نیازها و رضایت شهروندان در محیط شهری، مفهوم کیفیت فضای شهری در ادبیات شهرسازی جهان رواج یافت.

بسیاری از نظریه پردازان در حوزه مطالعات شهری معتقدند که مطلوبیت فضاهای شهری تا حد بالایی مرتبط با کیفیت محیطی می باشد. انجام فعالیتهای اجتماعی در فضای شهری نیازمند تمهیداتی از قبیل امنیت، حفاظت، مقبولیت و جذابیت های بصری می باشد. فضای شهری از مهمترین و فعالترین مکانها در دوران زندگی بشر محسوب شده و صحنه ای است که داستان زندگی جمعی در آن شکل می گیرد (Lang, 1987:97). توجه به عناصر و کیفیت های موجود در این گونه فضاها در ادوار مختلف تاریخی، متفاوت بوده است. اما آنچه که در تمامی دورانها مشترک بوده، حضور مردم و وجود روابط اجتماعی حاکم بر آنها است که مهمترین اصل در پویایی فضای شهری به حساب می آید. در این میان، رشد بالای شهرنشینی و افزایش مهاجرتها در شهر قزوین در سال های اخیر، از یک سو و وجود سیستم برنامه ریزی متمرکز (بالا به پایین)، منجر به افت کیفیت های محیطی، کم رنگ شدن حضور انتخابی شهروندان در فضاهای شهری وعدم توجه به جنبه های ادراکی - معنایی از دیدگاه شهروندان شده است. بر همین اساس، این پژوهش سعی دارد تا از طریق تعامل با شهروندان، میزان رضایت آنان را در خصوص کیفیت محیط سکونتشان جویا شده و به کشف مؤلفه‌ها و عوامل شکل دهنده کیفیت معنایی- ادراکی بپردازد. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف دستیابی به شاخص های موثر کیفیت محیط شهری در قلمرو کالبدی- اجتماعی از دیدگاه شهروندان، تلاش نموده تا به سوال- های زیر پاسخ دهد:

- مهم ترین شاخص ها در ارزیابی عوامل موثر بر کیفیت زندگی شهری در قلمرو کالبدی- اجتماعی، از دیدگاه شهروندان کدامند؟
- اولویت بندی شاخص های ارزیابی شده در ارزیابی عوامل موثر بر کیفیت زندگی شهری در قلمرو کالبدی- اجتماعی، از دیدگاه شهروندان چگونه است؟

تاریخچه مبحث کیفیت زندگی، به دوران ارسطو در سال ۳۸۵ قبل از میلاد بازمی گردد. در آن دوران ارسطو، "زندگی خوب" را به معنای شاد بودن در نظر گرفته است. دیوید اسمیت اولین جغرافیادانی بود که در مورد کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی در جغرافیا به مباحثه پرداخته است. مبحث کیفیت محیط را می توان به عنوان بخش اساسی از مفهوم گسترده تر کیفیت زندگی تعریف کرد (RIVM, 2002:13). مفهوم کیفیت محیط شهری برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ در کنفرانس بین المللی "هابیتات" سازمان ملل مطرح شد. در این مجمع، کیفیت محیط مترادف برآورده کردن نیازهای اساسی انسان و عدالت اجتماعی، مطرح شد و عوامل توزیع عادلانه درآمد، شرافت، آزادی، توسعه بهداشت، غذا، مسکن، امکان پیشرفت و عدالت اجتماعی، به عنوان معیارهای اصلی آن، مطرح شد. کیفیت محیط، موضوعی پیچیده و در برگیرنده ادراک ذهنی، نگرش ها و ارزش های گروه ها و افراد مختلف است (Das, 2008). جنبه ای از کیفیت زندگی است که در بر گیرنده احساس رفاه، آسایش و رضایت مردم از عوامل کالبدی- فضایی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و نمادین محیط زندگیشان است (رفعیان، ۱۳۹۲: ۹). در طول دهه ۱۹۹۰، علاقه به محیط شهری به میزان بالایی گسترش پیدا کرد. موازی با موج جدید توسعه پایدار، بسیاری از موسسه های بین المللی، ملی، منطقه ای و محلی، برنامه هایی درباره کیفیت زندگی شهری آماده کردند و توسعه شاخص های کیفیت محیطی شهر پایدار به وسیله بسیاری از سازمانهای بین المللی همانند UN و OECD به عنوان یک شرط لازم برای یک سیستم برنامه ریزی موثر، برای محیط های شهری پذیرفته شد (سیرم، ۱۳۹۳: ۱۴).

در پژوهشی که جان پانتر و متیو کرمونا از سال ۱۹۹۱ در مورد محتوای طراحانه برنامه های توسعه شهری در انگلستان آغاز کردند و نتایج آن را به صورت های گوناگون، از جمله در سال ۱۹۹۷ در کتابی تحت عنوان "بعد طراحانه برنامه ریزی" منتشر ساختند، مبحث کیفیت های محیط شهری در برنامه های توسعه شهری مورد توجه قرار گرفته است. پانتر و کرمونا با استفاده از روش تحلیل محتوا، هفتاد و سه مورد از برنامه های توسعه شهری که در مقیاس های گوناگون در انگلستان تهیه و تصویب شده بود را مورد بررسی قرار داده اند. و در نهایت توصیه های عملی خود را جهت حصول به محیط شهری با کیفیت بهتر در قالب پنج

محور "مسائل عام طراحی شهری؛ منظر شهری؛ فرم شهری؛ عرصه همگانی و طرح استقرار" ارائه می‌کند (Punter & Carmona, 1997:197-199). مک کرا و همکاران در سال ۲۰۰۶، رویکرد جدیدی در سنجش کیفیت زندگی جنوب شرقی کوئینزلند، به کار گرفتند. رشد و گسترش سریع، پراکنده رویی، تراکم پایین و چند مرکزی بودن از ویژگیهای این منطقه شهری است. ۱۶۱۰ نفر مورد پرسش قرار گرفتند که اغلب آنها دارای درآمد بالا، سطح بالای آموزش و خانه های مستقل بودند. آنها معتقدند که غالباً از روشهای عینی و ذهنی، برای اندازه گیری کیفیت زندگی استفاده می‌شود، اگر چه این دو غالباً ارتباط کمی با یکدیگر دارند. نتایج حاصل از پژوهش نشان میدهد که ارتباط میان شاخص های ذهنی و عینی ضعیف بوده و باید مراقب استنباطهای متفاوت بود. در این مطالعه ارتباط قوی میان ابعاد عینی و ذهنی محیط شهری دیده می‌شود اما میان دسترسی عینی و ذهنی تراکم و مسکن، چنین رابطه ای وجود ندارد (McCrea et al., 2006:70-96). اکتای در سال ۲۰۱۲، در پژوهشی با عنوان "ایجاد تنوع برای دستیابی به کیفیت بهتر زندگی جمعی: نمونه موردی: محله های فاماگوستا"، برای اولین بار به بررسی موضوع تنوع در محیط محله پرداخته و آن را به عنوان یک مولفه برجسته، مورد ملاحظه قرار می‌دهد. سپس مدلی برای ارزیابی تنوع محلی، ارائه کرده است. به منظور ارائه راهکارهایی برای بهبود کیفیت زندگی جمعی در محلات، چهار محله در فاماگوستا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش، فقدان تنوع را در فرمهای ساختاری نماها، در محله های جدید فاماگوستا همچنین فقدان تنوع در کاربران و عملکردها در بافت قدیمی و سنتی را نشان می‌دهد. همچنین ارزیابی داده‌ها نشان می‌دهد، که کاهش وابستگی به حمل نقل شخصی و تشویق ساکنان به دوچرخه سواری و پیاده روی، با تأمین و تجهیز زیرساختها، به عنوان عامل مهمی در ایجاد تنوع در این محدوده شناخته می‌شود (Oktay & Saeidi, 2012:495-504). لطفی و کوهساری به اهمیت کیفیت زندگی در فضاهای شهری پرداخته اند. آنها مقوله دسترسی در فضاهای شهری را یکبار از بعد ذهنی و بار دیگر از بعد عینی، بررسی نموده‌اند. فاکتورهای اصلی دسترسی در کیفی زندگی از دیدگاه آنها عبارتند از: ویژگیها، ریشه‌ها، مقاصد، گونه سفر و ویژگیهای مسیر. آنها با بررسی شاخص‌های عینی و ذهنی در منطقه شش تهران، دریافتند که نتایج حاصل از این دو تفاوت بسیاری دارد و نمی‌توان تنها بر یکی از این ابعاد برای افزایش کیفیت زندگی ساکنین، تکیه نمود (Lotfi & Koohsari, 2015: 6). الله یاری همکاران در پژوهشی با عنوان "سنجش کیفیت سکونت محلات شهری، مطالعه موردی: محلات خرمشهر و ضیابری شهر رشت" نشان داده‌اند که در محله خرمشهر به ترتیب، ویژگی‌های فیزیکی محیط، ویژگی‌های اجتماعی محیط، خدمات عمومی، کیفیت واحد مسکونی و دسترسی و در محله ضیابری، به ترتیب ویژگی‌های اجتماعی محیط، ویژگی‌های فیزیکی محیط، دسترسی، کیفیت واحد مسکونی و خدمات عمومی از دیدگاه شهروندان از اهمیت برخوردارند (مهرآبادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۷). با بررسی پژوهش‌ها و تجربیات عملی در مقوله کیفیت محیط شهری، می‌توان مؤلفه های مشترک در مقوله سنجش کیفیت محیط شهری را این چنین برشمرد: میزان پاسخگویی به حضور گرو های اجتماعی ویژه (کودکان، سالمندان، معلولان)، میزان استفاده مرتب و دائمی شهروندان، میزان پاسخگویی به شخصیت افراد (عزت انسانی)، میزان حس تعلق به فضا، حس مکان و امکان ایجاد این همانی در فضا، فرد یا گروه، میزان به کارگیری حواس مختلف انسان، میزان برانگیختن حس کنجکاوی و کاوش در استفاده کنندگان، میزان کارایی فضا، میزان تسهیل مشارکت و میزان موفقیت در یادآوری خاطره.

محیط واژه‌ای است که در برنامه‌ریزی کاربرد بسیاری دارد و به مجموعه پدیده‌هایی گفته می‌شود که انسان را در بر می‌گیرد. محیط از عوامل طبیعی و ساخته شده دست بشر تشکیل می‌شود (سیف‌الدینی، ۱۳۸۸: ۱۵۶). محیط شهری عرصه عمومی تظاهرات اجتماعی - فرهنگی است؛ در محیط شهری است که فعالیتهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جریان می‌یابد، ترکیب کالبدی محیط شهری نیز تبلور انواع فعالیتهایی است که در آن جریان دارد (حبیبی، ۱۳۸۰: ۱۰). به عبارتی ساده محیط شهری چیزی نیست جز فضای زندگی روزمره شهروندان که هر روز به صورت آگاهانه یا نا آگاهانه در طول راه، از منزل تا محل کار، ادراک می‌شود (پاکزاد، ۱۳۷۶: ۳۲).

کیفیت محیط، موضوعی پیچیده و در برگیرنده ادراک ذهنی، نگرش‌ها و ارزش‌های گروه‌ها و افراد مختلف است (Porteous, 1971). کیفیت محیط شهر ممکن است احساس خوبی باشد از ترکیبی از عوامل مرتبط با حس مکان یا هویت مکان؛ از قبیل خوانایی، احساس امنیت و آرامش، سرزندگی، لذت و ادراک عاطفی افراد، خاطره جمعی، هویت و حس تعلق تاریخی. آنچه مهم است ارتباط مستقیم عاطفی (احساسی) است که انسان با محیط ساخته شده اطراف دارد، به عبارت دیگر احساس یا واکنش احساسی که بین روان انسان، فرم محیط و اجزای اصلی آن (سطح فعالیتهای، تعاملات اجتماع، فرهنگی و اقتصادی جامعه) شکل می‌گیرد (Profect & Gorden, 1992: 134-170).

کوبین لینچ در سال ۱۹۸۱ با انتشار کتاب "تئوری شکل خوب شهر"، حصول کیفیت مناسب طراحی شهری و به تبع آن ارتقای کیفیت زندگی شهری را در گرو پنج معیار "سرزندگی"، "معنی"، "سازگاری"، "دسترسی" و "کنترل و نظارت" و دو فوق معیار "کارایی" و "عدالت" بیان میدارد: "سرزندگی"، به مفهوم امکان بقای زیست شناختی انسان در محیط شهر؛ "معنی"، به مفهوم نقش انگیزی و معنادار بودن مکانهای شهری، "سازگاری": به مفهوم انطباق فرم شهری با فعالیتهای گوناگون و مدارهای رفتاری؛ "دسترسی"، به مفهوم سهولت نفوذ فیزیکی به بخشهای مختلف بافت شهری؛ "کنترل و نظارت"، به مفهوم فراهم بودن امکان انتخاب و مداخله شهروندان در امور مرتبط با مدیریت و استفاده از عرصه همگانی شهر (لینچ، ۱۳۹۱).

یان بنتلی و همکارانش به طور مشخص به کیفیتهایی که تا آن زمان (۱۹۸۵) مد نظر محققین قرار گرفته بود، اشاره و در وهله نخست، هفت معیار را که باید در ارتقای کیفیت محیطی رعایت گردند، پیشنهاد می‌کنند: "نفوذپذیری"، به مفهوم تامین دسترسی و ارتباط بصری با نقاط مختلف؛ "تنوع"، به مفهوم حضور تنوع عملکردی، تنوع فرمها و گروه‌ها؛ "خوانایی"، به مفهوم قابلیت قرائت آسان محیط و راهیابی آسان به نقاط و نشانی‌های مورد نظر؛ "انعطاف‌پذیری"، به مفهوم توانایی و قدرت فضا در پذیرفتن عملکردها و جای دادن فعالیتهای گوناگون در خود؛ "رنگ تعلق"، به این مفهوم که شهروندان قادر باشند به طریقی مهر و نشان خود را بر شهر بزنند و آنرا متعلق به خود نمایند؛ "تناسبات (سازگاری) بصری"، به مفهوم خصوصیت بصری محیط با عملکرد و معنی محیط مزبور؛ "غنا حسی"، به مفهوم توجه به ظرافت در محرکهای حسی.

همچنین بنتلی در سال ۱۹۹۰ در مقاله کوتاهی تحت عنوان "طراحی شهری اکولوژیک"، به انتقادهای وارد بر کتاب "محیطهای پاسخده" پرداخته و سه معیار جدید را به عنوان مکمل معیارهای هفتگانه قبلی معرفی می‌نماید (بنتلی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۱-۶۹). کارایی، پاکیزگی (به حداقل رساندن آلودگیها) و حمایت از طبیعت و حیات وحش (نگهداری از اکوسیستم‌ها). از دیگر مجموعه معیارهای ارائه شده در ارتباط با کیفیت محیط شهری می‌توان به معیارهای "گرین" اشاره نمود. گرین در سال ۱۹۹۲ در مقاله‌ای تحت عنوان "شکل شهر" برای کیفیت محیط شهری چهار مولفه اصلی بازشناسی می‌نماید؛ عملکرد شامل ارتباط، امنیت، آسایش اقلیمی و تنوع، نظم شامل انسجام، وضوح، پیوستگی و تعادل، هویت به معنای شکل دادن به کانونها، وحدت، شخصیت و خاص بودن، جذابیت فضا که شامل مقیاس، تناوب بصری و عملکردی، سرزندگی و هارمونی می‌شود (Greene, 1992: 177-189). برایان گودی در سال ۱۹۹۳ در مقاله "دو آقا در ورنا: کیفیت‌های فضای شهری"، کیفیت‌های محیط شهری را به صورت زیر فهرست نموده است: سرزندگی، هارمونی، تنوع، مقیاس انسانی، امکان شخصی سازی مکان، نفوذپذیری، خوانایی، انعطاف‌پذیری، غنا و امکان تحول سنجیده و کنترل شده (Goodey, 1993: 3-5).

با توجه به بررسی مطالعات انجام شده در راستای کیفیت محیط شهری، می‌توان عوامل تعیین کننده کیفیت محیط شهری را در چهار دسته زیر تقسیم بندی کرد:

۱. عوامل اجتماعی (فرهنگی) عبارتند از: سن، جنس، مذهب، فشارهای روانی، نژاد، خشونت، دزدی، ترس، عدم امنیت، آلودگیهای محیط زیست، بزهکاری و انحرافات.
۲. عوامل کالبدی (فیزیکی): شامل ازدحام جمعیت، تراکم مسکونی، حمل و نقل شهری، ساختار فیزیکی، دسترسی‌های مناسب، هویت، تنوع محیطی، سیمای طبیعی، پیچیدگی، بافت شهری، آسایش، سرو صدا، ایمنی.
۳. عوامل اقتصادی: این عوامل می‌تواند درآمد خانوارها، تامین مواد غذایی، کارایی، عملکرد افراد، هزینه‌های شهری، امنیت شغلی، موقعیت اقتصادی، نبودن انحصار اقتصادی و غیره باشند.
۴. عوامل سیاسی عبارتند از: توزیع عادلانه ثروت درون شهری، متعهد بودن نسبت به نظام سیاسی و قانونی و عدالت.

در حال حاضر بیش از نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند. افزون بر آن، در قرن کنون، شمار ساکنین شهری و فرآیند شهری شدن رو به افزایش است. بنابراین امروزه بهبود و ارتقاء کیفیت محیط مسکونی به عنوان یک موضوع بنیادی، مورد توجه پژوهشگران، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، شهرسازان و شهروندان قرار گرفته است. جامعه شهری، طیف گسترده‌ای از گروههای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره را در بر می‌گیرد. هر یک از این گروهها، به تناسب نوع بینش و هنجارهای خود ممکن است معیارهای متفاوتی را برای انتخاب محل زندگی و فعالیت و به همین ترتیب، برای رضایت مندی از کیفیت محیط شهر خود برگزینند (بندرآباد، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۲). این در حالی است که در جوامع در حال توسعه مانند ایران، به دلیل وجود سیستم برنامه‌ریزی متمرکز (بالا به پایین)، و اینکه توجه به خواسته‌های تمام مردم از پیچیدگیهای بسیاری برخوردار است، تنها به سیاستهای متخصصین در راستای کیفیات محیطی تکیه می‌شود. ازین رو، سنجش دیدگاه شهروندان و ساکنان شهری و به کارگیری آن

در ساماندهی فضای شهری، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است؛ چراکه شهر متعلق به شهروندان است و محیط مناسب شهری، محیطی است که برای شهروندان، خوشایند و رضایت بخش باشد.

جدول ۱. سیر تحول تفکرات مبتنی بر تعامل فرد با محیط از دهه ۱۹۸۰

نظریه پرداز	مؤلفه‌های کیفیت محیط
کوبین لینچ (۱۹۸۱)	۵ معیار: (۱) سرزندگی (۲) معنی (۳) سازگاری (۴) دسترسی، (۵) کنترل و نظارت. (۲) فوق معیار: (۱) کارایی؛ (۲) عدالت.
ویولینچ (۱۹۸۳)	(۱) قرائت پذیری؛ (۲) آزادی انتخاب؛ (۳) ایجاد انگیزش از طریق کاربرد فرمهای شهری متباین؛ (۴) امکان زندگی اجتماعی در مقابل زندگی خصوصی؛ (۵) به گوش رسیدن آوای گذشته؛ (۶) توجه به پیوندهای بومی - منطقه ای در قالب طرح‌ها.
یان بنتلی و دیگران (۱۹۸۵)	(۱) نفوذپذیری (۲) تنوع؛ (۳) خوانایی؛ (۴) انعطاف پذیری، (۵) حس تعلق؛ (۶) سازگاری بصری؛ (۷) غنای حسی.
راجر ترانسلیک (۱۹۸۶)	(۱) حفظ تسلسل حرکتها؛ (۲) محصوریت فضاها؛ (۳) پیوستگی لبه‌ها؛ (۴) کنترل محورها و پرسپکتیوها؛ (۵) ترکیب فضاهای درون و بیرون.
آلن جکوبز، دونالد ایلپارد (۱۹۸۷)	(۱) سرزندگی؛ (۲) هویت و کنترل؛ (۳) دسترسی به فرصتها، تخیل و شادی؛ (۴) اصالت و معنا؛ (۵) زندگی اجتماعی و همگانی؛ (۶) خود اتکایی شهری؛ (۷) محیطی برای همه.
مایکل ساوت ورت (۱۹۸۹)	(۱) ساختار؛ (۲) خوانایی؛ (۳) فرم؛ (۴) حس مکان؛ (۵) هویت؛ (۶) دیدها و مناظر؛ (۷) مقیاس انسانی یا پیاده.
یان بنتلی (۱۹۹۰)	(۱) کارایی از نظر مصرف انرژی؛ (۲) پاکیزگی (به حداقل رساندن آلودگیها)؛ (۳) حمایت از طبیعت و حیات وحش (نگهداری از اکوسیستمها)
فرانسیس تیبالدز (۱۹۹۲)	(۱) مکانها پیش از ساختمانها در نظر گرفته شوند؛ (۲) از گذشته‌ها باید درس گرفت و به بافتهای موجود احترام نهاد؛ (۳) از کاربری مختلط در شهرها استفاده شود؛ (۴) مقیاس انسانی در طرح رعایت شود؛ (۵) خوانایی محیط به عنوان یک هدف در نظر گرفته شود؛ (۶) آسایش پیاده رعایت شود؛ (۷) تمام گروههای جامعه مورد مشورت قرار گیرند؛ (۸) محیط‌ها به شکلی انعطاف پذیر و انطباق پذیر طراحی و پیش بینی گردند؛ (۹) تغییرات محیط شهری به مثابه فرآیند تدریجی در نظر گرفته شود؛ (۱۰) در اتقای پیچیدگی، شادی بخش بودن و ایجاد خوشایندی بصری محیط تلاش گردد.
برایان گودی (۱۹۹۳)	۱. سرزندگی؛ (۲) هارمونی؛ (۳) تنوع؛ (۴) مقیاس انسانی؛ (۵) امکان شخصی سازی مکان؛ (۶) نفوذ پذیری؛ (۷) خوانایی؛ (۸) انعطاف پذیری؛ (۹) غنا؛ (۱۰) امکان تحول سنجیده و کنترل شده
جان پانتر و کرمونا (۱۹۹۷)	(۱) کیفیت پایداری زیست محیطی؛ (۲) کیفیت منظر شهری؛ (۳) کیفیت دیدها؛ (۴) کیفیت فرم شهرها؛ (۵) کیفیت فرم ساختمانها؛ (۶) کیفیت عرصه همگانی.
کرمونا (۲۰۰۳)	(۱) دسترسی؛ (۲) سخت فضا و نرم فضا؛ (۳) فضای همگانی؛ (۴) ایمنی و امنیت؛ (۵) منظر شهری

باتوجه به مولفه های کلی کیفیت محیط شهری، برای بررسی و سنجش کیفیت محیط شهری، رویکردهای مختلفی وجود دارد که هر یک منتج از یک نظام علمی خاص نظیر انسان شناسی، معماری، اقتصاد، طراحی محیط، جغرافیا، روانشناسی و جامعه شناسی است و حاصل کاربرد مفاهیم و بسط موضوعات مربوط به آن افق فکری است. این رویکردها شامل موارد زیر می باشند: "رویکردهای طراحی کالبدی"، "رویکردهای اجتماعی - کالبدی"، "رویکرد اکولوژی انسانی"، "رویکرد کیفیت زندگی" و "رویکرد سنجش میزان رضایتمندی سکونت" (Galster, Hesser, 1981; Galster, 1987; Hamam, 2013; Van Kamp, Irene, 2013; Mitchell, 2000).

رویکرد سنجش میزان رضایتمندی سکونت، برای تعیین یک چارچوب راهنما جهت شناخت خصوصیات ساختاری خانوارها و بافت محل سکونت آنها (اعم از خانه و محله) که بر جنبه های گوناگون رضایتمندی تأثیرگذار است، به کار می رود (Galster, Hesser, 1981). رضایتمندی سکونت از آنجا که بخشی از حوزه رضایتمندی از زندگی در معنای عام می باشد، یکی از مطالعه شده ترین موضوعات در زمینه محیط شهری محسوب می شود (Hakao, 2006:166). این مفهوم بنا به تعریف گالستر عبارت است از: شکاف قابل مشاهده بین آمال و نیازهای ساکنان و واقعیت موجود بستر سکونت آنها (Galster, 1987:541).

ارتقای کیفیات تجربه شدنی شهر از جمله اهداف طراحی و برنامه ریزی شهری است که به مفهوم خلق محیط‌هایی است که تجارب مطلوب شهر را گسترش بخشد. کیفیت محیط شهری حاصل ترکیبی پیچیده از شکل عناصر کالبدی شهر، وجود فعالیتهای شهری و عناصر محیط طبیعی است. در پژوهش حاضر، رویکردهای گوناگونی به منظور درک، بررسی و مطالعه کیفیت محیط شهری، مورد بحث قرار گرفته است که از بین رویکردهای فوق با انتخاب نگرش اجتماعی - کالبدی و رویکرد سنجش میزان رضایتمندی سکونت از کیفیت محیط های شهری به عنوان رویکردی که می تواند به جلب مشارکت ساکنان جهت ارتقای کیفیت محیط سکونت کمک نماید بنیان نظریه ای این پژوهش را شکل میدهند. اهداف اصلی این رویکرد، در دو محور تحلیل و ارزیابی شرایط کالبدی محیط سکونت و تصورات ذهنی شهروندان از وضعیت کیفی محیط زندگی خویش تبیین و تعریف می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی، از لحاظ ماهیت، توصیفی - تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، میدانی و پیمایشی است. این پژوهش سه مرحله اصلی را شامل می‌شود. مرحله نخست شامل مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین مرور ژرف ادبیات پژوهش، انتخاب رویکردها، متغیرها و شاخص‌ها در ابعاد مطرح شده به منظور ارزیابی شاخصهای بعد محیطی کیفیت زندگی شهری، مراجعه به محدوده نمونه مورد مطالعه (شهر قزوین) و نهایتاً تنظیم پرسشنامه می‌باشد. مرحله دوم به صورت میدانی و با مراجعه به محل و جامعه آماری مورد مطالعه - شامل شهروندان ساکن در شهر قزوین - برای تکمیل پرسشنامه می‌باشد. مرحله سوم نیز بر مبنای تحلیل و ارزیابی داده‌های جمع‌آوری شده در گامهای قبلی استوار است. نتایج حاصل از پرسشنامه‌های تدوین شده در راستای شاخصها و معیارهایی که در ادبیات موضوع مطرح و انتخاب می‌شوند، با استفاده از روش آنالیز "تحلیل عاملی اکتشافی" تعیین خواهد شد.

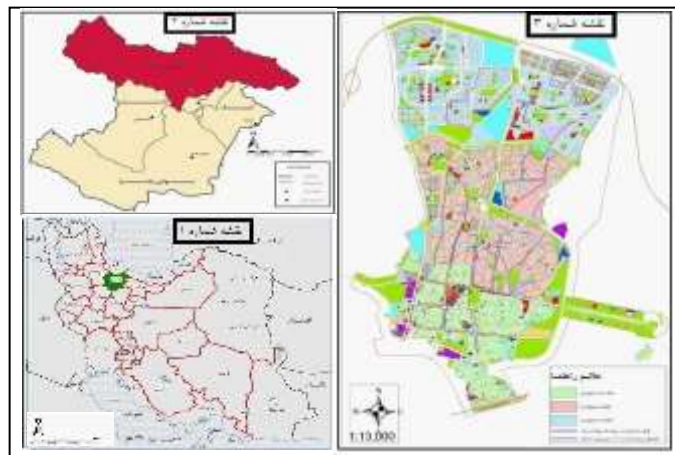
روش تحلیل عاملی اکتشافی، در مواردی بکار می‌رود که هدف اکتشاف و یا تولید ابعاد پنهان تشکیل دهنده پدیده مورد بررسی است. متغیرهای تبیین کننده پدیده مورد بررسی، پس از مرور بر متون نظری و تجربی مرتبط استخراج شده و پژوهشگران با بکارگیری این روش، متغیرهای متعدد نشانگر پدیده مورد بررسی را به تعداد کمتری بعد پنهان (عامل) تبدیل، می‌کنند. به گونه‌ای که هر عامل، تعدادی از متغیرهای موضوع مورد بررسی را شامل می‌شود (زبردست، ۱۳۹۶). در این شیوه از تحلیل، پژوهشگران اطلاعات دقیقی از اینکه چند عامل از داده‌ها استخراج خواهند شد و چگونگی ترکیب آنها - تعلق متغیرها به عامل استخراج شده - ندارند. در همین راستا و پس از کشف و شناسایی عوامل، اولویت بندی بین عوامل با استفاده از "آزمون فریدمن" مشخص می‌شود. هنگام بررسی نظرات یک گروه در چند زمینه از آزمون فریدمن استفاده می‌شود (کریمی، ۱۳۹۴). به عبارتی بر اساس نظرات افراد و پاسخی که به سوالات پرسشنامه می‌دهند، اولویت هر کدام از موارد را بر اساس رتبه‌بندی معنی‌دار یا گرایش‌های معنادار افراد به هر کدام از متغیرها، مشخص خواهد شد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شهروندان شهر قزوین می‌باشد که این تعداد طبق آخرین سرشماری جمعیت شهروندان در سال ۱۳۹۵، برابر با ۴۸۵۴۸۸ نفر می‌باشد. همچنین کیفیت فضای شهری قزوین به عنوان متغیر وابسته و و هر یک از ابعاد اجتماعی و کالبدی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. با توجه به مبانی نظری پژوهش و مطالعات پیشین، زیر معیارهای متغیرهای اجتماعی و کالبدی مشخص شد و در قالب ۴۶ سوال با مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت، به منظور بررسی ابعاد دوگانه اجتماعی - کالبدی، که ۲۲ سوال برای سنجش بعد اجتماعی و ۲۴ سوال برای سنجش بعد کالبدی تدوین گردید. پرسشنامه علاوه بر سوالهای اصلی، مشخصات اصلی پرسش شونده را نیز شامل می‌شود. به منظور سنجش روایی پرسشنامه از روش ظاهری یا محتوایی استفاده شد در بررسی صوری از دو روش کمی و کیفی استفاده شد. روایی صوری کیفی توسط ۱۵ متخصص انجام گرفت و تغییرات جزئی در سوالات اعمال شد اما به طور کلی مورد تایید اساتید قرار گرفت. در روایی کمی، نسبت روایی محتوا و شاخص روایی محتوا استفاده شد. مقدار روایی محتوا (CVR) سوالات بین ۰/۶ تا ۱ قرار داشت و بیش از مقدار ۰/۴۹ در جدول لاوشه بوده، بنابراین سوالات و گویه‌های مطرح شده مورد قبول واقع شد. شاخص روایی محتوایی (CVI) محاسبه شده برای سوالات پرسشنامه بین ۰/۸۹ تا ۱ می‌باشد و از آنجا که بالاتر از حداقل قابل قبول (۰/۷۹) بوده، تمام سوالات مورد تایید قرار گرفت. و برای سنجش پایایی کمی پرسشنامه از نرم افزار SPSS و با روش آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه برآورد شده است. نتایج نشان می‌دهد که محدوده آلفای کرونباخ برآورد شده بین ۰/۷۱ و ۰/۹۰ می‌باشد که بیانگر این امر است که پرسشنامه‌های مورد استفاده از پایایی مناسب برخوردار است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شهروندان شهر قزوین می‌باشد که این تعداد طبق آخرین سرشماری جمعیت شهروندان در سال ۱۳۹۵، برابر با ۴۸۵۴۸۸ نفر می‌باشد. جهت تعیین تعداد حجم نمونه لازم، از فرمول کوکران با درصد اطمینان ۹۵ درصد، بهره گرفته شده است؛ با جایگذاری پارامترها در فرمول مذکور حجم نمونه برای شهروندان ۳۸۴ نفر تعیین گردید. شایان ذکر است روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر روش نمونه‌گیری تصادفی ساده می‌باشد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر قزوین طبق سرشماری ۱۳۹۵ دارای ۴۸۵۴۸۸ نفر جمعیت می‌باشد و با مهاجرت‌های بالایی هر ساله مواجه است، که از روستا به شهر و از شهرهای دیگر به این شهر می‌باشد. جمعیت این شهر طی سرشماری ۳۵ تا ۹۵، ۷/۳ برابر و در مقایسه آخرین سرشماریهای انجام گرفته طی سال‌های ۹۰ تا ۹۵، ۱/۳ برابر شده است. طبق آمارهای موجود اغلب مهاجرت‌ها به دلیل یافتن شغل مناسب و بیشتر از روستا به شهر رخ داده است که در اولین طرح جامع نیز این اتفاق در پی تاسیس شه‌های صنعتی اطراف شهر (اجرای سیاست ممنوعیت احداث شهرهای صنعتی در فاصله کمتر از ۱۲۰ کیلومتری پایتخت) بود. طبق سرشماری ۱۳۹۵ تعداد بیکاران قزوین نسبت به کل کشور، درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است. این شهر از نظر تحصیلات در سطح مطلوبتری نسبت به کل کشور قرار دارد و دانشگاهها و موسسات آموزش عالی بسیاری در شهر و شهرهای اطراف قزوین ایجاد شده که از نکات مثبت شهر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶: ۲۴-۱۸). شهر قزوین در حال حاضر دارای سه منطقه و ۱۹ ناحیه می‌باشد. منطقه یک در قسمت جنوبی شهر قرار دارد و بخشهای قدیمی و تاریخی عموماً در آن واقع شده‌اند و دارای بافتی متراکم است منطقه دو در قسمت میانی شهر است و تراکم فضا در آن نسبت به منطقه یک کمتر است. منطقه سه در قسمت شمالی شهر قرار گرفته است که دارای بافتی پراکنده، جدید و نسبتاً نوساز شامل محله‌های ماصدرا، پونک، جانبازان، مینودر و غیره می‌باشد. براساس آخرین طرح جامع مصوب قزوین، وضع موجود کاربری اراضی یا بافت تحقق یافته اینگونه بود: کل مساحت شهر ۳۳۴۷/۷۶ هکتار که حدود ۲۹ درصد آن مسکونی با سرانه ۲۹ مترمربع، ۲۵ درصد معابر، ۲۱ درصد اراضی بایر، ۲/۱۱ درصد تجاری، ۱ درصد آموزشی، ۳/۴۹ آموزش عالی، ۰/۹۸ درصد مذهبی فرهنگی و جهانگردی پذیرایی، ۰/۵۷ درصد بهداشتی درمانی، ۲/۱۷ درصد اداری نظامی، ۰/۷۲ درصد ورزشی تفریحی، ۱۰/۵۴ درصد فضای سبز، ۰/۶۷ درصد تاسیسات و تجهیزات شهری، ۰/۳۶ درصد صنایع و کارگاه‌ها، ۱/۰۱ درصد تجهیزات حمل و نقل و انبار، ۰/۳۴ درصد نظامی، ۰/۱۶ درصد گورستان و ۰/۰۴ درصد کاربری مختلط می‌باشد (مهندسين مشاور شهر و برنامه، ۱۳۹۰: ۸۴).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

در این بخش به تجزیه تحلیل وضعیت مربوط به ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه آماری پرداخته شده است. نتایج حاصل از تحلیل آمار توصیفی نشان می‌دهد که از کل جمعیت پاسخگویان (۳۸۴ نفر)، ۵۳/۴ درصد مرد (بیشترین فراوانی) و ۴۶/۶ درصد زن، ۱۸ درصد بی‌سواد، ۴۲/۴ درصد دیپلمه و ۵۵/۷ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی (بیشترین فراوانی)، ۱۶/۱ درصد زیر سی سال، ۲۹/۲ درصد بین سی و یک تا چهل سال (بیشترین فراوانی)، ۲۵/۸ درصد بین چهل و یک تا پنجاه سال و ۲۸/۹ درصد بیش از پنجاه سال، می‌باشند. همچنین ۶/۸ درصد کمتر از دو سال، ۱۱/۵ درصد بین دو تا پنج سال، ۸۱/۸ درصد (بیشترین فراوانی) بیشتر از پنج سال در شهر قزوین اقامت دارند.

یافته‌های تحلیلی

پرسشنامه این پژوهش از نوع محقق ساخته است و در نتیجه جهت بررسی اعتبار سازه پرسشنامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد تا سوالاتی که دارای اعتبار کافی هستند شناسایی شوند و بتوانیم سوالات پرسشنامه را در چند عامل خلاصه کنیم و گروه بندی مناسبی برای سوالات پرسشنامه ارائه دهیم. تحلیل عاملی، سنج‌های مشاهده شده را برحسب عوامل مشترک (مشاهده نشده) به اضافه واریانس یکتا نشان می‌دهد، روابط بین عوامل مشاهده نشده و سنج‌های مشاهده شده تحت عنوان وزن (برای مثال وزن‌های رگرسیونی) که عامل‌ها را به سنج‌ها ارتباط می‌دهند، تعریف می‌شوند.

تحلیل عاملی اکتشافی بعد اجتماعی

پیش از اقدام به استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی، باید از کافی بودن حجم نمونه جهت تحلیل عاملی اطمینان حاصل شود. حجم نمونه عامل تعیین کننده‌ای در صحت خوشه‌بندی عناصر با تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی است. یکی از روش‌های بررسی کفایت نمونه جهت تحلیل عاملی محاسبه شاخص کفایت نمونه است. شاخص کفایت نمونه توسط کایزر، مایر و اولکین نوآوری شده است و برای همین آن را با نماد KMO نمایش می‌دهند.

جدول ۲. مقادیر آزمون‌های KMO و بارتلت جهت تعیین عامل پذیر بودن شاخص‌های پرسشنامه

آزمون بارتلت			مقدار KMO
سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار خی دو تقریبی	
۰/۰۰۰	۳۳۱	۳۷۷۱/۱۱۷	۰/۹۰۵

تحلیل عاملی به روش مولفه‌های اصلی بر روی ۲۲ گویه پرسشنامه اجرا شد. مقدار آزمون KMO یا شاخص کفایت نمونه گیری، مقدار واریانس متغیرها را که تحت تاثیر عامل‌های پنهانی است می‌سنجد. دامنه این آماره بین ۰ تا ۱ است. چنانچه مقدار این آماره بیشتر از ۰/۷ باشد همبستگی‌های موجود به طور کلی برای تحلیل عاملی بسیار مناسب‌اند (دواس، ۱۳۹۴: ۲۵۶). مقدار آزمون بارتلت، همانی بودن ماتریس همبستگی داده‌ها را به آزمون می‌گذارد، و در واقع میزان عامل پذیر بودن داده‌ها را می‌سنجد و سطح معنی داری می‌بایست کمتر از ۰/۰۵ باشد. در این پژوهش مقدار KMO برابر با ۰/۹۰۵ شده است و قابل قبول بوده و به این معناست که حدود ۹۱ درصد از واریانس این ۲۲ گویه تحت تاثیر عامل‌های پنهانی و بنیادی است. سطح معنی داری آزمون بارتلت نیز کمتر از ۰/۰۵ شده است ($P < 0.05$). نتایج این دو آزمون نشان می‌دهد که انجام تحلیل عاملی بر روی گویه‌ها امکان پذیر است و به بیان دیگر گویه‌ها (شاخص‌ها) عامل پذیر هستند.

جدول ۳. تعداد عامل‌های استخراج شده، ارزش ویژه و میزان واریانس استخراج شده

تعداد عوامل	ارزش ویژه	% واریانس استخراج شده	% تجمعی واریانس استخراج شده
۱	۳/۰۳۱	۱۳/۷۷۸	۱۳/۷۷۸
۲	۲/۷۱۸	۱۲/۳۵۵	۲۶/۱۳۲
۳	۲/۱۳۰	۹/۶۸۲	۳۵/۸۱۴
۴	۲/۰۹۳	۹/۵۱۳	۴۵/۳۲۷
۵	۲/۰۱۸	۹/۱۷۲	۵۴/۴۹۹

جدول (۳)، تعداد عامل‌های استخراج شده را نشان می‌دهد، معیار تعیین تعداد عامل‌ها دو معیار است: الف) ارزش ویژه که می‌بایست حداقل ۱ باشد و ب) وجود عامل‌هایی که دارای حداقل سه شاخص (گویه) باشند، است. دواس (۱۳۷۶) معتقد است که عامل‌هایی که مقدار ویژه آن‌ها بیشتر از یک (۱) باشد بهترین عامل‌ها هستند. در ارتباط به حداقل‌های شاخص‌های مرتبط با هر عامل باید گفت که لازم است هر عامل به وسیله تعداد معقولی از متغیرها نشان داده شود. جدول (۲) تعداد عامل‌های استخراج شده را نشان می‌دهد، معیار تعیین تعداد عامل‌ها دو معیار است: الف) ارزش ویژه که می‌بایست حداقل ۱ باشد و ب) وجود عامل‌هایی که دارای حداقل سه شاخص (گویه) باشند، است. جهت اطمینان از انتخاب تعداد عامل‌های نهایی، نمودار سنگریزه نیز بررسی شد. عوامل استخراج شده با توجه به همبستگی سوال‌های مرتبط، طبق موارد زیر مشخص شده‌اند:

جدول ۴. تقسیم‌بندی عامل‌های استخراج شده، بار عاملی و مربع همبستگی چندگانه (R^2)

عامل	شاخص	بار عاملی	مربع همبستگی چندگانه (R^2)
عامل اول	۱	-/۴۸۸	-/۵۰۴
	۲	-/۵۶۷	-/۵۱۱
	۳	-/۵۴۴	-/۵۸۵
	۷	-/۷۸۶	-/۶۳۱
	۹	-/۷۷۸	-/۶۷۲
عامل دوم	۱۱	-/۴۷۴	-/۴۹۲
	۴	-/۶۸۸	-/۶۲۱
	۵	-/۶۵۴	-/۵۲۳
	۶	-/۳۶۲	-/۳۲۱
	۱۰	-/۴۷۴	-/۵۶۶
عامل سوم	۱۳	-/۵۷۶	-/۶۰۲
	۱۴	-/۵۹۲	-/۴۳۷
	۸	-/۷۲۵	-/۵۸۹
عامل چهارم	۱۲	-/۶۴۶	-/۵۰۰
	۱۷	-/۶۹۰	-/۵۶۴
	۱۸	-/۵۰۵	-/۴۳۲
عامل پنجم	۱۵	-/۶۹۲	-/۵۶۹
	۱۶	-/۷۲۲	-/۵۸۳
	۱۹	-/۵۶۵	-/۵۲۸
عامل پنجم	۲۰	-/۶۴۹	-/۶۶۷
	۲۱	-/۶۷۴	-/۵۳۳
	۲۲	-/۶۳۲	-/۵۵۷

جدول (۴)، عامل‌های نهایی استخراج شده به همراه شاخص‌ها یا سوالات مرتبط با هر عامل، بار عاملی هر گویه و مقدار واریانس تبیین شده گزارش شده است. چرخش صورت گرفته از نوع متعامد و به روش واریماکس، انجام شد. در جدول (۴) مقادیر بار عاملی گزارش شده است. اینکه بار عاملی باید چه مقدار باشد تا چشمگیر تلقی شود، تا حدودی اختیاری است. به طور کلی در نظر گرفتن ملاک [حداقل] ۰/۳ به عنوان بار چشمگیر، رهنمودی عاقلانه است (کلاین، ۱۳۹۴: ۲۳۲). چنانچه بار عاملی هر سوال بیشتر از ۰/۳ باشد در تحلیل باقی مانده و از پرسشنامه حذف نمی‌شود. هر سوال در عاملی قرار می‌گیرد که دارای بیشترین بار عاملی با آن عامل باشد. به عبارت دیگر در مواردی که هر سوال با دو یا چند عامل دارای همبستگی (بار عاملی) بیشتر از ۰/۳ باشد، آن سوال به عاملی اختصاص داده می‌شود که بالاترین بار عاملی را با آن عامل دارد. مطابق نتایج تمامی سوالات پرسشنامه دارای بار عاملی بیشتر از مقدار مفروض (۰/۳) هستند.

تحلیل عاملی اکتشافی بعد کالبدی

تحلیل عاملی به روش مولفه‌های اصلی بر روی ۲۴ گویه پرسشنامه اجرا شد. مقدار آزمون بارلت، همانی بودن ماتریس همبستگی داده‌ها را به آزمون می‌گذارد، در بعد کالبدی، مقدار KMO برابر با ۰/۹۱۴ شده است و قابل قبول بوده و به این معناست

که حدود ۹۱ درصد از واریانس این ۲۴ گویه تحت تاثیر عامل‌های پنهانی و بنیادی است. سطح معنی داری آزمون بارتلت نیز کمتر از ۰/۰۵ شده است ($P < ۰/۰۵$). نتایج این دو آزمون نشان می‌دهد که انجام تحلیل عاملی بر روی گویه‌ها امکان پذیر است و به بیان دیگر گویه‌ها (شاخص‌ها) عامل پذیر هستند (جدول ۵).

جدول ۵. مقادیر آزمون های KMO و بارتلت جهت تعیین عامل پذیر بودن شاخص‌های پرسشنامه

مقدار KMO	آزمون بارتلت	
	مقدار خی دو تقریبی	درجه آزادی
۰/۹۱۴	۶۰۰۴/۸۹۶	۲۷۶
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰

جدول (۶) تعداد عامل‌های استخراج شده را نشان می‌دهد نتایج نشان می‌دهد که ۶ عامل دارای مقدار ویژه بیشتر از ۱ هستند که دارای حداقل ۳ شاخص نیز می‌باشند. این نتیجه بدین معناست که تعداد ۶ عامل یا بعد زیربنایی از مجموع ۲۴ شاخص پرسشنامه شناسایی شده است. ۶ عامل بدست آمده می‌توانند حدود ۶۵ درصد واریانس تمامی شاخص‌ها را تبیین نمایند که مقدار مناسبی برای واریانس تبیین شده کل تلقی می‌شود که نشان از این دارد که انتخاب ۶ عامل به عنوان عوامل نهایی استخراج شده، پذیرفتنی است. عامل اول با برخورداری از درصد واریانس استخراج شده ۱۷/۳۳۹ درصد، مهم‌ترین عامل است.

جدول ۶. تعداد عامل‌های استخراج شده، ارزش ویژه و میزان واریانس استخراج شده

تعداد عوامل	ارزش ویژه	% واریانس استخراج شده	% تجمعی واریانس استخراج شده
۱	۴/۱۶۱	۱۷/۳۳۹	۱۷/۳۳۹
۲	۲/۷۳۸	۱۱/۴۰۷	۲۸/۷۴۶
۳	۲/۳۸۷	۹/۹۴۶	۳۸/۶۹۲
۴	۲/۳۵۸	۹/۸۲۵	۴۸/۵۱۷
۵	۲/۲۷۸	۹/۴۹۰	۵۸/۰۰۷
۶	۱/۶۴۹	۶/۸۷۱	۶۴/۸۷۸

عوامل استخراج شده با توجه به همبستگی سوال‌های مرتبط، طبق موارد زیر مشخص شده‌اند:

جدول ۷. تقسیم بندی عامل‌های استخراج شده، بار عاملی و مربع همبستگی چندگانه (R^2)

عامل	شاخص	بار عاملی	مربع همبستگی چندگانه (R^2)
عامل اول	۲۳	۰/۷۸۳	۰/۶۹۶
	۲۴	۰/۷۵۳	۰/۷۴۶
	۲۵	۰/۶۰۶	۰/۶۱۹
	۲۶	۰/۷۱۷	۰/۶۹۵
	۲۷	۰/۷۷۲	۰/۶۳۶
	۳۰	۰/۶۰۶	۰/۶۲۶
عامل دوم	۴۶	۰/۵۵۰	۰/۶۲۳
	۲۸	۰/۷۱۶	۰/۶۵۱
	۴۰	۰/۷۰۶	۰/۵۸۶
عامل سوم	۴۳	۰/۸۳۴	۰/۷۴۸
	۴۴	۰/۷۲۸	۰/۶۴۱
	۲۶	۰/۷۸۳	۰/۷۱۸
عامل چهارم	۴۱	۰/۸۴۱	۰/۷۶۸
	۴۲	۰/۸۲۸	۰/۷۹۵
	۳۴	۰/۷۰۶	۰/۶۰۸
	۳۷	۰/۷۲۳	۰/۶۵۵
عامل پنجم	۴۵	۰/۷۵۸	۰/۶۹۲
	۲۹	۰/۴۱۷	۰/۴۷۹
	۳۱	۰/۵۱۳	۰/۴۲۰

۰/۵۶۵	۰/۷۲۳	۳۲
۰/۵۹۲	۰/۷۲۹	۳۳
۰/۴۸۵	۰/۴۳۷	۳۵
۰/۷۸۶	۰/۸۵۵	۳۸
۰/۷۳۱	۰/۸۰۰	۳۹

عامل ششم

جدول (۷)، عامل‌های نهایی استخراج شده به همراه شاخص‌ها یا سوالات مرتبط با هر عامل، بار عاملی هر گویه و مقدار واریانس تبیین شده گزارش شده است. چرخش صورت گرفته از نوع متعامد و به روش واریماکس انجام شد. در این جدول مقادیر بار عاملی گزارش شده است. چنانچه بار عاملی هر سوال بیشتر از $0/3$ باشد در تحلیل باقی مانده و از پرسشنامه حذف نمی‌شود. هر سوال در عاملی قرار می‌گیرد که دارای بیشترین بار عاملی با آن عامل باشد. به عبارت دیگر در مواردی که هر سوال با دو یا چند عامل دارای همبستگی (بار عاملی) بیشتر از $0/3$ باشد، آن سوال به عاملی اختصاص داده می‌شود که بالاترین بار عاملی را با آن عامل دارد. مطابق نتایج تمامی سوالات پرسشنامه دارای بار عاملی بیشتر از مقدار مفروض ($0/3$) هستند.

تفسیر و نام گذاری عوامل

به منظور تفسیر و نام گذاری دقیق عوامل، بررسی‌های مفهومی و ریاضی همزمان انجام می‌پذیرد. باید توجه داشت که در این مرحله ارتباط کیفی و مفهومی متغیرها از ارتباط ریاضی آنها بسیار مهم‌تر است. اگر متغیری، به لحاظ مفهومی ارتباط معنی‌داری با هیچ‌یک از عوامل نداشته باشد (بار عاملی کمتر از $0/3$)، آن متغیر باید از دور محاسبات کنار گذاشته شود. به عبارت دیگر، متغیرهایی که بارعاملی پایینی دارند، نقش چندانی در اسم گذاری نخواهند داشت (Steiger, 2017). با توجه به ارتباط هر یک از عوامل استخراج شده با شاخص‌های نشانگر متغیرهای اجتماعی و کالبدی و هماهنگی با مباحث نظری در این زمینه، عوامل استخراج شده به شرح زیر در جداول (۸ و ۹) نامگذاری شده‌اند.

جدول ۸. نام گذاری عوامل استخراج شده متغیر اجتماعی

متغیر	ردیف	شاخص	بار عاملی	عنوان عامل
اجتماعی	۱	امنیت در برابر بروز انواع جرائم شهری	۰/۴۸۸	عامل اول: امنیت اجتماعی
	۲	امنیت در تمام ساعات شبانه روز	۰/۵۶۷	
	۳	امنیت برای حضور بانوان در فضای شهری	۰/۵۴۴	
	۷	شناخت از همسایگان	۰/۷۸۶	
	۹	همسایگان امن	۰/۷۸۸	
	۱۱	امنیت در گردش شبانه	۰/۴۷۷	
عامل دوم: همه شمول بودن	۴	امکان پیاده روی و دویدن	۰/۶۸۸	عامل دوم: همه شمول بودن
	۵	حضور گروه‌های سنی مختلف	۰/۶۵۴	
	۶	فراهم بودن تسهیلات برای کودکان و گروه‌های خاص (معلولین، نابینایان، سالخوردگان و ...)	۰/۳۶۲	
	۱۰	صمیمیت بین شهروندان	۰/۴۷۴	
	۱۳	سرزندگی و جنب و جوش	۰/۵۷۶	
	۱۴	روحیه جمعی	۰/۵۹۲	
عامل سوم: زندگی اجتماعی	۸	امکان دیدن و دیده شدن	۰/۷۲۵	عامل سوم: زندگی اجتماعی
	۱۲	رضایت از وقایع فرهنگی	۰/۶۴۶	
	۱۷	نسبت زندگی اجتماعی به زندگی فردی	۰/۶۹۰	
	۱۸	تطابق هویت فردی و هویت اجتماعی	۰/۵۰۵	
عامل چهارم: آسایش و راحتی	۱۵	نظم در فضای شهری	۰/۶۹۲	عامل چهارم: آسایش و راحتی
	۱۶	عدالت اجتماعی	۰/۷۲۲	
	۱۹	آسایش و راحتی در فضای شهری	۰/۶۵۶	
عامل پنجم: مشارکت اجتماعی	۲۰	حضور متخصصین بومی در فرآیند مدیریت و برنامه ریزی شهری	۰/۶۴۹	عامل پنجم: مشارکت اجتماعی
	۲۱	امکان برقراری مراودات اجتماعی و تبادل نظر	۰/۶۷۴	
	۲۲	مشارکت در برنامه‌ها و طرح‌های شهری	۰/۶۳۲	

جدول ۹. نام گذاری عوامل استخراج شده متغیر کالبدی

متغیر	ردیف	شاخص	بار عاملی	عنوان عامل
کالبدی	۲۳	دسترسی آسان به مراکز تجاری عمده شهر	۰/۸۷۳	عامل اول: دسترسی خدماتی و ترافیکی
	۲۴	دسترسی آسان به مراکز بهداشتی	۰/۸۵۳	
	۲۵	دسترسی آسان به پارکها و بوستان ها	۰/۶۰۶	
	۲۶	دعوت کنندگی فضای شهری	۰/۷۱۷	
	۲۷	ایمنی و وسعت پیاده راه	۰/۷۷۲	
	۳۰	پراکنش فضاهای شهری جذاب	۰/۶۰۶	
	۴۶	منظر مطلوب و چشم اندازهای جذاب	۰/۵۵۰	
	۲۸	نسبت فضای عمومی و باز به فضای ساخته شده	۰/۷۱۶	عامل دوم: تنوع و انعطاف پذیری
	۴۰	تنوع و گوناگونی کالبد شهری	۰/۷۰۶	
	۴۳	تنوع جاذبه های تاریخی و توریستی	۰/۷۳۴	
	۴۴	دسترسی های متعدد به فضاهای عمومی و با ارزش شهری	۰/۷۲۸	
	۳۶	فضاهای شهری یاد آور هویت تاریخی و فرهنگ کهن شهر	۰/۷۸۳	عامل سوم: رنگ تعلق
	۴۱	فضای شهری ترغیب کننده به حضور و ماندن در آن	۰/۸۴۱	
	۴۲	احساس تعلق به فضای شهری	۰/۸۲۸	
	۳۴	جذابیت فرم و کالبد شهری	۰/۷۰۶	عامل چهارم: مطلوبیت فضایی
	۳۷	تاثیر معاصر سازی فضاهای تاریخی و کهن در کارایی فضا	۰/۷۲۳	
	۴۵	استقرار کاربریهای خرد و جذاب در کنار مسیرهای پیاده	۰/۷۵۸	
	۲۹	وجود فضاهای جنبی مورد نیاز برای تفریح و شادی	۰/۴۱۷	عامل پنجم: کارایی
	۳۱	مساحت مسکن متناسب با نیاز خانوار	۰/۵۱۳	
	۳۲	گردش بدون ترافیک با ماشین در شهر	۰/۷۲۳	
	۳۳	تنوع دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی	۰/۷۲۹	
	۳۵	سهولت گردش با دوچرخه در شهر	۰/۴۳۷	
	۳۸	وجود علائم و نشانه های هدایت کننده جهت مسیریابی مناسب	۰/۸۵۵	عامل ششم: خوانایی
	۳۹	نورپردازی مناسب	۰/۸۰۰	

در نام گذاری عوامل تلاش شده است تا نکات مطرح شده در مباحث نظری پژوهش مورد توجه قرار گیرند. به عنوان مثال عامل چهارم در متغیر اجتماعی، ارتباط بالایی (بیش از ۰/۶) با هر سه زیر شاخه این متغیر دارد: وجود نظم در فضای شهری (۰/۶۹)، عدالت اجتماعی (۰/۷۲)، احساس آسایش و راحتی هنگام حضور در فضای شهری (۰/۶۶). مروری بر متون نظری مرتبط نشان می دهد کیفیت هایی نظیر نظم و هارمونی، حفاظت پیاده ها از شرایط آب و هوایی، تسهیلات برای پیاده‌ها (میلان شهری)، کاهش سر و صدا، دسترسی به آفتاب، جلوگیری از نور خیره کننده و غیره، منجر به ارتقاء زندگی اجتماعی و تمایل بیشتر برای حضور در فضای شهری خواهند شد که تحت عنوان "آسایش و راحتی" نام می گیرند (South Worth, 1989)؛ (گلکار، ۱۳۸۰). بنابراین می توان این عامل را "آسایش و راحتی" نامید.

عامل سوم در متغیر کالبدی، ارتباط بالایی (بیش از ۰/۶) با هر سه زیر شاخه این متغیر دارد: فضاهای شهری یاد آور هویت تاریخی و فرهنگ کهن شهر (۰/۷۸) فضای شهری ترغیب کننده به حضور و ماندن در آن (۰/۸۴)، احساس تعلق به فضای شهری (۰/۸۳). مروری بر متون نظری مرتبط نشان می دهد کیفیتی که شهروندان قادر باشند به طریقی مهر و نشان خود را بر شهر بزنند و آنرا متعلق به خود نمایند، رنگ تعلق نام دارد (بتلی، ۱۳۹۶)، بنابراین می توان این عامل را رنگ تعلق نامید. دسترسی آسان به مراکز تجاری شهر (۰/۷۸)، دسترسی آسان به مراکز مراکز بهداشتی (۰/۷۵)، دسترسی آسان به پارکها و بوستانها (۰/۶۱)، عدم تداخل مسیر سواره و پیاده (۰/۷۱)، پراکنش فضاهای شهری جذاب (۰/۶۱)، منظر سازی و چشم اندازهای مطلوب و جذاب (۰/۵۵) و ایمنی و وسعت پیاده راهها (۰/۷۷)، شاخص هایی هستند که عامل اول بعد کالبدی را تشکیل می دهند. با توجه به شاخص های "دسترسی آسان به مراکز تجاری شهر (۰/۷۸)، دسترسی آسان به مراکز مراکز بهداشتی (۰/۷۵)، دسترسی آسان به پارکها و بوستانها (۰/۶۱)، دعوت کنندگی فضای شهری (۰/۷۱)" که بیشترین بار عاملی و ویژگی های مشترک را با هم دارند و طبق نظر لینچ که "دسترسی" را سهولت نفوذ فیزیکی به بخشهای مختلف بافت شهری تعریف نموده (لینچ، ۱۳۹۱)، این عامل "دسترسی خدماتی و ترافیکی" نام گذاری شد. سایر عوامل نیز به همین روش نام گذاری شده اند. جهت اولویت بندی عوامل بعد اجتماعی از آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج این آزمون در جداول (۱۰ و ۱۱) خلاصه شده است.

جدول ۱۰. نتایج آزمون فریدمن

تعداد	۳۸۴	شهروندان
آمره خی دو	۱۷۴/۵۱۹	
درجه آزادی	۴	
سطح معنی طری آزمون	۰/۰۰۰	

با توجه به نتایج آزمون فریدمن، چون سطح معنی داری بدست آمده برای آزمون کمتر از سطح خطای پذیرفته شده (۰/۰۵) است، نتیجه می‌گیریم که در سطح اطمینان ۹۵٪ میزان اولویت زیر شاخه های بعد اجتماعی تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. نتایج اولویت بندی در جدول زیر آمده است.

جدول ۱۱. نتایج اولویت بندی برای زیر شاخه‌های بعد اجتماعی

جامعه آماری	اولویت	زیر شاخه‌ها	میانگین رتبه‌ها
شهروندان شهر قزوین	۳	امنیت	۲/۸۱
	۵	همه شمول بودن	۲/۴۲
	۱	زندگی اجتماعی	۳/۶۸
	۴	آسایش و راحی	۲/۶۸
	۲	مشارکت مردمی	۳/۴۰

همچنین جهت اولویت بندی عوامل بعد کالبدی از آزمون فریدمن استفاده شده است. نتایج این آزمون در جداول زیر (۱۲ و ۱۳) خلاصه شده است.

جدول ۱۲. نتایج آزمون فریدمن

تعداد	۳۸۴	شهروندان
آمره خی دو	۱۹۰/۹۴۹	
درجه آزادی	۵	
سطح معنی طری آزمون	۰/۰۰۰	

با توجه به نتایج آزمون فریدمن، چون سطح معنی داری بدست آمده برای آزمون کمتر از سطح خطای پذیرفته شده (۰/۰۵) است، نتیجه می‌گیریم که در سطح اطمینان ۹۵ درصد میزان اولویت زیر شاخه‌های بعد کالبدی تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. نتایج اولویت بندی در جدول (۱۳) زیر آمده است.

جدول ۱۳. نتایج اولویت بندی برای زیر شاخه‌های بعد کالبدی

جامعه آماری	اولویت	زیر شاخه‌ها	میانگین رتبه‌ها
شهروندان شهر قزوین	۳	دسترسی خدماتی و ترافیکی	۲/۲۷
	۴	تنوع و لطافت پذیری	۳/۲۲
	۲	رنگ تعلق	۳/۹۴
	۵	مطلوبیت فضایی	۳/۱۸
	۶	کرالی	۲/۹۳
	۱	خوبایی	۴/۴۷

با توجه به میانگین رتبه های عوامل از دیدگاه شهروندان شهر قزوین، در متغیر اجتماعی، عامل "زندگی اجتماعی" به عنوان مطلوب ترین عامل و "همه شمول بودن" به عنوان ضعیف ترین عامل، شناخته شده است؛ در متغیر کالبدی نیز، مطلوب ترین عامل "رنگ تعلق" و کمترین درجه مطلوبیت به عامل "کارایی" اختصاص یافته است.

نتیجه‌گیری

کیفیت محیط شهری یکی از دغدغه‌های نوین نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی در سال‌های اخیر بوده است. اکتفای مدیران شهری به رعایت قوانین کلی و بعضاً نا کارآمد شهری و کم‌توجهی به نیازها و خواسته‌های شهروندان، کیفیت عرصه‌های شهری را تا حدودی مغایر با ذهنیت مطلوب آنها نموده است. در همین راستا به کارگیری روشهای علمی و پژوهش‌هایی که ارزیابی دیدگاه و خواسته شهروندان را شامل شود، امری ضروری است. در پژوهش حاضر از میان رویکردهای مطرح شده، رویکرد اجتماعی-کالبدی و شیوه‌سنجش میزان رضایت مندی سکونتی از کیفیت محیط‌های شهری به عنوان رویکردی که می‌تواند به جلب مشارکت ساکنان جهت ارتقای کیفیت محیط سکونت کمک نماید به عنوان بنیان نظریه‌ای این پژوهش انتخاب گردید. سوالات پرسشنامه با توجه به شاخصهای مطرح شده در چهارچوب نظری پژوهش و با توجه به ارتباط این شاخص‌ها با محیط شهری قزوین در هر یک از ابعاد اجتماعی و کالبدی تدوین گردیدند. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، عوامل حاصل از تحلیل اکتشافی دو متغیر کالبدی و اجتماعی، طبق دیدگاه شهروندان شهر قزوین، شناسایی شدند. این عوامل با توجه به مباحث نظری پژوهش نام‌گذاری شدند و با توجه به آزمون فریدمن اولویت بندی گشتند. نتایج حاصل از ارزیابی دیدگاه شهروندان بیانگر این است که در بعد اجتماعی سه عامل "امنیت اجتماعی (۲/۸۱)"، "آسایش و راحتی (۲/۶۸)" و "همه شمول بودن (۲/۴۲)" با توجه به ضریب اهمیت‌شان (کوچکتر از ۰/۳)، در وضعیت پایینتر از حد قابل قبول قرار دارند و در بعد کالبدی نیز عامل "کارایی (۲/۹۳)" در حد پایین و عوامل "دسترس خدماتی و ترافیکی (۳/۲۷)"، "تنوع و گوناگونی (۳/۲۲)"، "رنگ تعلق (۳/۹)" و "مطلوبیت فضایی (۳/۱۸)" در حد متوسطی قرار دارند. تفاوت‌های این پژوهش با سایر پژوهشها از دو جنبه قابل بررسی می‌باشد. بخش اول در ارتباط با مکان پژوهش، نمونه موردی و جامعه آماری پژوهش می‌باشد. بخش دوم نیز مربوط به انتخاب متغیرها، شاخص‌ها، رویکردها و روش تحلیل داده‌ها می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل از ارزیابی دیدگاه شهروندان و اولویت بندی معیارها، و همچنین با تکیه بر اطلاعات حاصل از مراحل پیشین پژوهش، ارتقاء کیفیت محیط شهری، رفع مسائل و مشکلات و توزیع عادلانه امکانات در سطح شهر نیازمند اقدامات موثر و برنامه‌ریزی هدفمند متناسب با نیازهای شهروندان مانند: ارتقاء کیفی فضاهای شهری با افزایش جذابیت و پرداختن به عرصه‌های جمعی جهت ایجاد زمینه لازم برای افزایش حضور شهروندان در فضای شهری در جهت افزایش امنیت و آسایش، تقویت رنگ تعلق با افزایش حس مسئولیت‌پذیری در شهروندان و ایجاد بستر لازم جهت مشارکت آنها در فرآیندهای تدوین برنامه و طراحی فضاهای شهری، تدوین ضوابط و دستورالعمل‌هایی جهت پرهیز از یکسان‌سازی نماها به ویژه در بافت‌های جدید شهری، تاکید بر هویت کالبدی و تاریخی شهر در عناصر شکل‌دهنده فضای شهری، ایجاد تنوع با تاکید بر اصل "وحدت در کثرت" در سیمای شهری در راستای ایجاد خوانایی، توسعه و تجهیز انواع خدمات شهری و محلی با توجه به شعاع خدمات رسانی آنها در راستای تقویت دسترسی خدماتی و ایمن‌سازی و ارتقاء کیفی انواع معابر شهری اعم از پیاده‌راه، سواره و دوچرخه‌راه جهت افزایش مطلوبیت دسترسی‌های شهری می‌باشد. دستیابی به وفاق عمومی، امری است که همسوسازی دیدگاه مدیران شهری و شهروندان را می‌طلبد. بازنگری مجدد به شیوه‌های برنامه‌ریزی متمرکز (از بالا به پایین) و بعضاً جایگزینی فرآیند مشارکتی (از پایین به بالا) جهت مشارکت دادن هر چه بیشتر شهروندان در فرآیندهای مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، می‌تواند زمینه را برای کم‌کردن هر چه بیشتر فاصله برنامه‌ریزان و شهروندان فراهم نماید.

تقدیر و تشکر

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری رشته شهرسازی بوده که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد از آن دفاع شده است.

منابع

- بنتلی، بان؛ الکک، الن؛ پال، مولین؛ مک‌گلین، سو و اسمیت، گراهام. (۱۳۹۶). *محیط‌های پاس‌خده*. ترجمه مصطفی بهزادفر، چاپ سیزدهم، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۰). *شهر زیست‌پذیر، از میانی تا معانی*، تهران: آذرخش.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۷۶). *طراحی شهری چیست؟، آبادی، ۲۵، ۳۰-۳۶*.

- جعفری مهرآبادی، مریم؛ شکرگزار، اصغر و الله یاری اصلی ارده، شمیلا. (۱۳۹۶). سنجش کیفیت محیط سکونتی محلات شهری (مطالعه موردی: محلات خرمشهر و ضیابری شهر رشت. نشریه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۵ (۱)، ۱۰۵-۱۲۵.
- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۰). فضای شهری: برخوردی نظریه‌ای. نشریه صفا، ۱۱ (۳۳)، ۴-۱۳.
- دواس، دی. ای. (۱۳۹۴). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی، چاپ هفدهم، تهران: نی.
- رفعیان، مجتبی؛ عسگری‌زاده، زهرا و فرزاد، مهناز. (۱۳۹۲). مطلوبیت سنجی محیط‌های شهری: نگرشی تحلیلی در سنجش کیفیت محیط شهری، رویکردها، شاخص‌ها و روش‌ها، تهران: شهر.
- زبردست، اسفندیار. (۱۳۹۶). کاربرد روش تحلیل عاملی اکتشافی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، سنجش وضعیت پایداری در کلانشهر تهران. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۲ (۲)، ۵-۱۸.
- سیرم، مصطفی؛ مرادی، علیرضا؛ کامیاب، جمال و آتشپور، سیدحمید. (۱۳۹۳). کیفیت زندگی شهری. تهران: هنرمعماری قرن.
- سیف‌الدینی، فرانک. (۱۳۸۱). فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. شیراز: دانشگاه شیراز.
- کریمی، رامین. (۱۳۹۴). راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS. تهران: نشر هنگام.
- کلاین، پل. (۱۳۹۴). راهنمای آسان تحلیل عاملی. ترجمه سید جلال صدرالسادات و اصغر مینایی، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- گلکار، کوروش. (۱۳۸۰). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. صفا، ۱۱ (۳۲)، ۳۸-۵۶.
- لینچ، کوین. (۱۳۹۱). تئوری شکل خوب شهر. ترجمه سیدحسین بحرینی، چاپ پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۶). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ استان قزوین، قزوین: سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان.
- مهندسین مشاور شهر و برنامه. (۱۳۹۰). طرح توسعه و عمران شهر قزوین و حوزه نفوذ. تهران: مهندسین مشاور شهر و برنامه.
- میرزایی، خلیل. (۱۳۸۸). پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی. تهران: جامعه‌شناسان.
- نجات، سحرناز. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی و اندازه گیری آن. اپیدمیولوژی ایران، ۴ (۲)، ۵۷-۶۲.
- Galster, G.C. (1987). *Identifying the correlates of dwelling satisfaction: An empirical critique*. Environment and behavior, 19, 539-567.
- Goodey, B. (1993). *Two Gentleman in Verona: The Qualities of Urban Design*, Streetwise Journal, 4, 3-5.
- Greene, S. (1992). *City Shape*. JAP, 58, 177-189.
- Hakao, K. (2006). Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the Viewpoint of Residential Preference, Residential Choice and Residential Satisfaction. *Landscape Urban Plan*, 78(3), 165-178.
- Hamam, S., & Shalaby, A. (2013). *Principles of urban quality of life for a neighborhood*, HBRC Journal, 9, 86-92.
- Jones, A., & Rise Borough, M (2002). *Comparing quality of life research, international lessons*, Center for Urban and regional Studies, Birmingham, University of Birmingham.
- Lang, J. (1987). *Creating architectural theory: The role of the behavioral sciences in environmental design*. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Lotfi, S., & Koohsari, M.J. (2015). Analyzing accessibility dimension of urban quality of life: Where urban designers face duality between subjective and objective reading of place. *Social Indicators Research: An International and Interdisciplinary Journal for Quality-of-Life Measurement*, Springer, 94(3), 417-435.
- McCrea, T. Shyy, T.K., & Stimson, R (2006). what is the strength of the link between objective and subjective indicators of urban quality of life?, *Applied Research*, 72(1), 79-96.
- Marans, R.W. (2003). Understanding environmental quality through quality of life studies: The 2001 DAS and its use of subjective and objective indicators. *landscape and planning*, 65(1), 73-83.
- Mitchell, G., (2000). *Indicators as tools to guide progress on the sustainable development pathway*, In: Lawrence, R. j. (ED.), *Sustaining Human*
- Oktay, D., & Saeidi, S. (2012). Diversity for Better Quality of Community Lif: Evaluations in Famagusta Neighborhoods, *Procedia. Social and Behavioral Sciences*, 35, 495-504.
- Porteous, J.D., (1971). Design with people: the quality of the urban environment. *Envirn. Behav.* 3, 155-177.
- Profect, M., & Power, G. (1997). *Planning for Urban Quality*, London: Routledge Publication.
- Punter J.V., & M. Carmona. (1997). *The Design Dimension of Planning: Theory, Content and Best Practice for Design Policies*, London: E & FN Spon.
- Sirgy, J. (2001). *Handbook of Quality of Life Research*. Polytechnic Institute and state university, Virginia.
- South Worth, M. (1989). Theory and Practice of Contemporary Urban Design. *Town Planning Review*, 6(4), 369-402.

- Steiger, James H. (2017). *Exploratory Factor Analysis with R, accessible*, from: [http:// www. statpower. Net /Content/312/R%20Stuff/Exploratory%20Factor%20Analysis%20with%20R.pdf](http://www.statpower.net/Content/312/R%20Stuff/Exploratory%20Factor%20Analysis%20with%20R.pdf).
- Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & de Hollander, A. (2013). Urban environmental quality and human well-being Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 65, 5-18.
- Vanpoll, R. (1997). *The perceived quality of the urban residential environment; A multi attribute evaluation*, PHD thesis, university of Groningen, the Netherland.

How to cite this article:

Karamipour Shamsabadi, A., Massoud, M., & Mojabi, A. (2022). Recognition the Concept of Urban Spaces Quality; Study the Standpoints of Citizen to Achieve Effective criteria in Qazvin City. *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 17(3), 7411-756.

ارجا به این مقاله:

کرمی پورشمس آبادی، عارفه؛ مسعود، محمد و مجابی، سید علی. (۱۴۰۱). واکاوی در مفهوم کیفیت محیط شهری؛ شناسایی معیارهای مؤثر از دیدگاه شهروندان در شهر قزوین. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۷ (۳)، ۷۴۱-۷۵۶.